

امروز با مولانا

باز آمدم باز آمدم از پیش آن یار آمدم
شاد آمدم شاد آمدم از جمله آزاد آمدم
در نگر در نگر من نگر بهر تو غمخور آمدم
چندین هزاران سال شد تا من به گفتار آمدم

یک خبر | یک نگاه

زنانی که از درس خواندن محروم مانده اند

دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو با بیان اینکه براساس آخرین آمار یونسکو تعداد بی سواد بزرگسال ۷۷۴ میلیون نفر گزارش شده است، گفت: دوسوم جمعیت بی سواد را زنان تشکیل می دهند. محمدرضا سعیدآبادی در نشست تخصصی سوادآموزی مشارکت محور گفته در سال ۱۹۹۰ نرخ بی سواد بزرگسالان در جهان ۲۴ درصد پس از برنامه جهانی کاهش بی سوادی، کاهش یافته است. همچنین نرخ بی سواد در سال ۱۸۰۲۰۰۰ درصد در سال ۱۶۰۲۰۱۱ درصد کاهش یافت. براساس آخرین آمار یونسکو تعداد بی سواد بزرگسال دنیا ۷۷۴ میلیون نفر گزارش شده است. منطقه صحرای آفریقا به همراه غرب و جنوب آفریقا که ایران هم جزو آن به حساب می آید، سه چهارم جمعیت بی سواد جهان را در خود جای داده است. علاوه بر این باید گفت دوسوم از جمعیت بی سواد بزرگسال را زنان



عکس: محمد خالقی

کاش، کاش و ای کاش...

اگر چنین کنیم مشغله های ذهنی مان کمتر می شود و لذت زندگی مان بیشتر. کاش خدا همه دوستانمان را در پرتو لطف بیکرانش برای کسانی که دوستشان دارند، حفظ کند... امیدوارم هرچه خیر است برای هموطنانم رقم خورد و در سال آینده هر کدام از ما بهترین خاطراتمان را داشته باشیم و از آنها نیز بهترین استفاده را کنیم. اما نباید همدیگر را فراموش کنیم ما در جامعه ای هستیم که همه به هم احتیاج داریم و نمی توانیم حتی یک روز را بدون تعامل با هم طی کنیم از این رو دوست دارم که هیچ کدام از ما یکدیگر را فراموش نکنیم و به یاد هم باشیم.

و ثروت می شود به سراغ علم هم رفت. کاش هیچ کس درگیر فقر و نداری نشود، کاش دست همه به دهانشان برسد و هیچ پدری وقتی وارد خانه می شود به خاطر خالی بودن دست هایش شرمند همسر و فرزندان نباشد. باز هم دلم آرزو می خواهد. بنابراین با صدای بلند می گویم: کاش روزی برسد که از روی ظاهر در مورد هم قضاوت نکنیم. کاش حتی اگر خطایی از سوی کسی به چشم مان آمد، یک لحظه مکث کنیم و بعد برویم سراغ قضاوت. کاش به زندگی دیگران کاری نداشته باشیم و (آن دسته از ما که به زندگی این و آن سرک می کشند) دست از دخالت کردن ها برداریم.

و سر سفره عید می نشستیم. همیشه به دعای تحویل سال اعتقاد داشتیم. همیشه می گفتیم و هنوز هم می گویم: «باز هم نگذار انجام هم در کار بدی را که تو درباره اش نهی کرده ای و من انجامش نداده ام». خدا یا یک ثانیه مرا به حال خودم وامگذار. برای همه مردم کشورم عاقبت به خیری آرزو می کنم. توفیق های اقتصادی هم در این نظرگاه جزئی از عاقبت به خیری است. زیرا آدم اگر به اندازه کافی پول نداشته باشد، خاصه در دوره ای که جواب سوال همیشگی «پول بهتر است یا ثروت؟» تغییر کرده است، عاقبت به خیر نخواهد شد. امروز اگر پول نداشته باشیم، خبری از علم نیست اما با پول

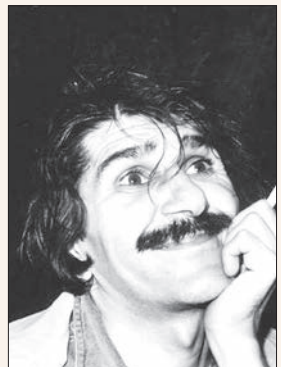
مهدی باقریگی
مجید قصه های مجید

آرزو در دل همه انسان ها، هست. من هم مستثنی نیستم. آرزو دارم سال پیش رو آرام و شاد باشم. آرزو می کنم کینه ها و حسادت ها از دل هایمان بیرون برود و همه برای هم خیر و خوشی بخواهیم. آرزو برای داشتن گفتار و رفتار خوب، توام با سلامتی بهترین چیزی است که می شود رویایش را در دل پروراند. روزهایی را به یاد می آورم که با حسن و حال خاص دوران بچگی لباس نو به تن می کردم

برش

زندگی خیلی زیباست

چشم فرستادی برام تا ببینم که دیدم پرسیدم این آتش بازی تو آسمون معنائش چیه؟ کنار این جوب روون معنائش چیه؟ این همه راز، این همه رمز این همه سر و اسرار معنائش؟ آوردی حیرونم کنی که چی بشه؟ نه والله! مات و پریشونم کنی که چی بشه؟ نه والله! پریشونم نبودم؟



دیوونه کیه؟ عاقل کیه؟ جنون کامل کیه؟ واسطه نیار، به عزت خارم حوصله هیچ کسی روندارم کفر نمی گی، سوال دارم یک تریلی محال دارم تازه داره حالیم می شه چی کارام می چرخم و می چرخونم، سیارام تازه دیدم حرف حسابت منم طلای نابت منم

من، حیرونت نبودم؟ تازه داشتم می فهمیدم که فهم من چقدر کمه اتم تو دنیا ی خودش حرف صد تار ستمه گفتی بنده چشمات وقت رفتنه انجیر می خواد دنیا پیدا، آهن و فسفرش کمه چشمای من آهن انجیر شدن حلقه ای از حلقه زنجیر شدن عمو زنجیر باف زنجیر تو بنام چشم من و انجیر تو بنام دیوونه کیه؟ عاقل کیه؟ جنون کامل کیه؟ ابیاتی از زنده یاد حسین پناهی

تفسیر مثنوی (بخش چهارم)

«اخلاق»، «شریعت» و «طریقت» در عرفان عملی مولانا



بخشعلی قبری
هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

کتاب دوم، «لب لباب مثنوی»، با تنظیم «ملاحسین کاشفی» متوفی ۹۱۰ در هرات است. این فرد کسی است که صاحب کتاب «روضه الشهداء» است. نکته ای که دانستن آن جالب می نماید، این است که ملاحسین کاشفی، انسان عارف مسلکی بوده و صاحب چندین کتاب است. کتاب «روضه الشهداء»، یکی از این کتاب ها است که در مورد عاشورا نوشته شده است. این کتاب و داستان عاشورا در آن، به قدری مطرح شد، که مردم دور هم جمع می شدند و این کتاب را از روی آن می خواندند.

مولانا در مباحث عرفان عملی، به گونه ای منطقی صحبت می کند. یعنی گزاره ها و ابیات موجود در مثنوی، شکلی کاملاً منطقی دارند. نه این که به صورت منطقی گنجانده شده باشند؛ بلکه سیر موضوعی و پردازش مولانا، کامل است و اگر آنها را کنار هم قرار دهید، متن مدونی به دست می آید.

مولانا بر این باور است که اگر کسی پس از گذراندن مراحل نظری عرفان، بخواهد وارد سلوک شود، حداقل باید چند کار را انجام دهد. اولین چیزی که باید در نظر گرفته شود، این است که این فرد، باید «اخلاقی» باشد. در غیر این صورت، نمی تواند وارد سلوک شود.

مولانا بعد از آن که مرحله اخلاقی را پشت سر گذاشت، به دنبال مباحث اخلاقی، وارد مباحث فقهی می شود. یعنی یک انسان صالح، لازم است خود محقق کند و بعد از این، وارد شریعت شود. در نهایت بعد از پشت سر گذاشتن این مرحله، وارد سلوک می شود.

در این جا نکته مهمی وجود دارد و آن، این است که اینگونه نیست که بخش اول مثنوی، اخلاق است؛ بخش دوم، شریعت است و بخش سوم نیز طریقت است. بلکه اتفاقاً زمانی که مولانا از اخلاق بحث می کند، در همان موضوعات و گزاره ها، آموزه های اخلاقی، در همانجا ادامه می دهد. اگر کسی به حداقل قناعت کند، می تواند مثل سایر منابع اخلاقی، از آن کتاب استفاده کند و اگر کسی همین مقوله اخلاقی را ادامه دهد، می تواند از «اخلاق»، تقبی بزند به «طریقت». به طور مثال، جایی که جلال الدین از راستگویی سخن می گوید، راستگویی حداقلی را بیان می کند. بعد از آن، راستگویی را منظر عرفا را هم مطرح می کند. بنابراین، او به همین صورت، موضوعات اخلاقی، شریعی و سلوکی را پردازش می کند. از میان کتاب هایی که به صورت موضوعی، مثنوی را تنظیم کرده اند، چهار کتاب بسیار معتبر و معروف را می توان نام برد: کتاب «هرات المثنوی»، با تنظیم «تلمذ حسین» یکی از این سه کتاب است. تلمذ حسین، یکی از مولوی پژوهان هندی است.

شاعر

مدرسه کبری و ستای میسی



عکس: خیر علی مهر